

اثرات طرح هدفمندی یارانه‌ها بر الگوی مصرف خانوارهای روستایی با رویکرد معیشت پایدار در شهرستان‌های کلات و بینالود

علی‌علی مددی*؛ دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.
عبدالجمید نظری؛ دانشیار گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه پیام نور، ایران.
محمود مرادی؛ دانشیار گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه پیام نور، ایران.
رامین غفاری؛ دانشیار گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه پیام نور، ایران.

پذیرش نهایی: 1395/4/19

دریافت مقاله: 1394/10/15

چکیده

طرح هدفمندی یارانه‌ها به پشتوانه ماده (3) قانون برنامه چهارم اجرا شده است. نظر به تغییر شیوه پرداخت آن از شکل «کالایی» به صورت «نقدی» و تأثیر مستقیمی که بر الگوی مصرف خانوارها دارد، این تحقیق در چارچوب رویکرد «معیشت پایدار (LS)» انجام شده است؛ چرا که رویکرد معیشت پایدار علاوه بر رفع نیازهای روزانه، استمرار معاش، تسهیلات رفاهی، افزایش قابلیت‌ها و توانمندسازی نسل‌های کنونی، بر ابعاد زیست محیطی و حفظ دارایی‌ها و منابع طبیعی برای آیندگان تأکید دارد. روش تحقیق حاضر توصیفی - تحلیلی است که با هدف شناسایی اقلشار اجتماعی روستایی و اثرات طرح هدفمندی یارانه‌ها بر الگوی مصرف معیشتی آنان در دو ناحیه متفاوت انجام شده است. جامعه آماری 16140 خانوار ساکن در 88 روستای شهرستان‌های کلات و بینالود بوده است. برای نمونه‌گیری از روش‌های خوشه-ای و تصادفی سیستماتیک استفاده شده است. در مجموع 38 روستای نمونه انتخاب و سپس طبق جدول مورگان - کرچی حجم نمونه تعداد 360 خانوار تعیین شده است. گردآوری داده‌ها با استفاده از پرسشنامه محقق ساخته بوده است. پایایی پرسشنامه با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ 0/83 به دست آمده است. با استفاده از آمارهای توصیفی و آزمون‌های «کولموگروف اسمیرنوف»، «یومن ویتنی» و «کراسکال والیس» تجزیه و تحلیل داده‌ها انجام شده است. در نهایت نتایج نشان داد که تباینات محیطی و توزیع نامتوازن منابع اقتصادی، هم بر شاخص متوسط سرمایه و هم بر متوسط درآمد تأثیر داشته و موجب اختلاف طبقاتی دو ناحیه شده است. از نظر تغییر الگوی مصرف نیز بین مقادیر مصرف طبقات کم درآمد نواحی، تفاوت معنادار و در طبقات مرفه فاقد معناداری آماری بوده است. در مجموع می‌توان گفت پرداخت یارانه‌ها در تعدیل شکاف طبقاتی هر دو ناحیه تأثیر داشته است که میزان آن در کلات بیش از بینالود بوده است.

واژگان کلیدی: هدفمندی یارانه‌ها، معیشت پایدار، الگوی مصرف، فقر، عدالت اجتماعی، اقلشار اجتماعی.

1) مقدمه

تجربه برنامه‌ریزی توسعه در کشورهای جهان سوم طی دهه 1950 میلادی بر اساس الگوی رشد اقتصادی و با تکیه بر اصول بازار آزاد و برنامه‌ریزی فیزیکی، تبعاتی نظیر دوگانگی بخش‌های کشاورزی و صنعت، شهر و روستا و افزایش شکاف طبقاتی و فقر در پی داشته است که در دهه‌های بعد، ضرورت دخالت دولت‌ها را در زمینه بهبود شاخص‌های رفاه اجتماعی و کاهش فقر به وجود آورده است. در این دوران (1970) که از "دولت" به عنوان پیش‌ران توسعه یاد شده است، با محور قرار گرفتن انسان در برنامه‌های توسعه، به تدریج این ایده مطرح گردید که برای مواجهه با مسائل و چالش‌های توسعه نیافتگی کشورها، در کنار سرمایه‌های فیزیکی توجه به سرمایه‌های انسانی نیز ضرورت دارد. بنابراین در این دوره سیاست‌های حمایتی و تخصیص یارانه‌ها در قالب دولت‌های رفاه در سرلوحه برنامه‌های توسعه کشورها قرار گرفته است. در دهه 1980 به دنبال بحران بدهی‌ها و رکود جهانی، اکثر کشورها نسبت به اصلاحات در برنامه یارانه‌ها و هدفمندی آن اقدام نمودند (پرمه، 1384: 51).

همزمان با تحولات جهانی در کشور ایران نیز در دوره پهلوی سیاست‌های حمایتی و پرداخت یارانه‌ها در سه بخش تولید، مصرف و خدمات عمومی به شیوه پرداخت غیرمستقیم به کار بسته شد. ارزیابی‌های انجام شده حاکی از آن بوده است که اولاً میزان یارانه‌های مصرفی و خدمات عمومی بیش از یارانه‌های تولیدی بوده و در ثانی، سهم یارانه‌های پرداختی به شهرها حدود 3 برابر مناطق روستایی بوده است (شکوری، 1384: 150-148). در سال‌های پس از انقلاب نیز علی‌رغم انتظارات و بنا به ملاحظات شرایط جنگی، این سیاست‌ها کماکان ادامه یافت و سهم مناطق شهری از یارانه‌ها همواره بیش از نقاط روستایی بوده است (رحیمی، 1367: 76)؛ حتی با وجود مطرح شدن ضرورت تجدید نظر در سیاست‌های حمایتی (همگام با طرح تحول اقتصادی) این ایده جنبه عملی به خود نگرفت. تا اینکه در برنامه چهارم توسعه که تا حدودی از دیدگاه توسعه پایدار تأثیر پذیرفته بود، به پشتوانه ماده 3 این قانون و طرح اصلاحی دولت، طرح هدفمندی یارانه‌ها در اواخر سال 1389 اجراء شد (بخشوده، 1390: 3).

بدین ترتیب و با عنایت به اینکه طبق سرشماری عمومی سال 1390 جمعیت روستاهای کشور بالغ بر 21 میلیون و 603 هزار نفر بوده است (مرکز آمار ایران، 1390)، با در نظر گرفتن سرانه یارانه ماهانه معادل 455000 ریال، مقدار یارانه پرداختی به جامعه روستایی کشور در سه سال اول اجرای طرح، بالغ بر 353 هزار میلیارد ریال بوده است. این مبلغ بر اساس محاسبه انجام شده، معادل 2/4 درصد از کل بودجه کشور در این مدت بوده است. این میزان پول نقد برای اولین بار در بین روستاییان به صورت مستقیم توزیع گردیده و مدیریت هزینه و مصرف آن در اختیار خانوارها قرار گرفته است. به نظر می‌رسد این نوع از پرداخت یارانه‌ها تأثیرات زیادی بر ابعاد اقتصادی، اجتماعی جامعه روستایی کشور داشته باشد. به ویژه با عنایت به ساختار اقتصادی و فرهنگی جامعه روستایی و جبران کمبود نقدینگی‌های گذشته، بخش عمده آن به سمت مصارف معیشتی خانوار اعم از خوراکی، غیرخوراکی و خدماتی سوق خواهد یافت. بنابراین بررسی تطبیقی اثرات طرح هدفمندی یارانه‌ها بر الگوی مصارف معیشتی به عنوان هدف

مقاله حاضر انتخاب گردید. طرحی که در اهداف آن نمادهائی از تعدیل مصرف و بهره‌وری بهینه از منابع معیشتی و یا برچسب‌هایی از "عدالت اجتماعی" و "بهبود معیشت" جامعه در سطح کلان کشور مستتر است.

بررسی این مسئله هم از منظر اقتصادی و هم از دریچه جغرافیایی نیز حائز اهمیت است. زیرا در وضع کنونی یارانه‌ها بدون توجه به تفاوت‌های جغرافیایی مناطق و تأثیر آن بر توزیع منابع و درآمد در بین اقشار مختلف، به مقدار مساوی پرداخت می‌گردد. این شیوه با تحقق کاهش فقر، عدالت اجتماعی و تعادل مکانی - فضایی که از آرمان‌های توسعه پایدار است، منافات دارد؛ چرا که، از یک سو تباینات محیطی نقش بسزایی در تکوین ساختارهای فرهنگی، اجتماعی و توان اقتصادی جوامع روستایی داشته و از سوی دیگر گسترش مناسبات شهری و روستایی این ساختارها را بر هم زده و الگوهای معیشتی متفاوتی را در سطح نواحی مختلف به وجود می‌آورد و در نتیجه تغییر شیوه پرداخت یارانه‌ها ممکن است الگوی مصارف معیشتی خانوارهای روستایی را تحت تأثیر قرار داد. از این رو، مقاله حاضر قصد دارد ضمن بررسی اثرات هدفمندی یارانه‌ها بر وضعیت مصارف معیشتی خانوارهای روستایی در بین لایه‌های مختلف اجتماعی، به مقایسه آن در دو ناحیه متفاوت جغرافیایی (شهرستان‌های کلات و بینالود) نیز بپردازد. در کل، تحقیق حاضر به دنبال پاسخ دو سوال اساسی بوده است: (1) وضعیت منابع، سرمایه اقتصادی و درآمد اقشار مختلف جامعه روستایی شهرستان‌های کلات و بینالود (طرقبه شاندیز) چگونه بوده است؟ و (2) طرح هدفمندی یارانه‌ها چگونه بر تغییر الگوی مصارف معیشتی اقشار مختلف روستایی شهرستان‌های کلات و بینالود اثر گذاشته است و آیا تفاوت معناداری بین دو ناحیه وجود دارد؟

2) مبانی نظری

نزدیک به یک قرن تجربه برنامه‌ریزی توسعه و نتایج حاصله از به کارگیری الگوهای مختلف در کشورهای جهان نظریه‌پردازان و دست اندرکاران را بر آن داشت که حداقل از حدود سه دهه پیش به الگوی جدیدی روی آورده‌اند که "توسعه پایدار" نامیده می‌شود. دیدگاهی که نخست با چالش‌های زیست محیطی شروع و به تدریج ابعاد وسیعی یافت و تمام جنبه‌های اجتماعی - اقتصادی، فرهنگی و سیاسی ساکنان کره خاکی را در بر گرفت. دیدگاهی که با نگرش جامع در صدد شناخت دقیق و توامان مسائل جهان هستی برآمده و برای حفظ و بقاء نه فقط جوامع کنونی بلکه برای نسل‌های آتی نیز تلاش می‌کند. دیدگاهی که با کاربست مفاهیمی چون برابری، عدالت اجتماعی، فقرزدایی، محرومیت زدایی، مشارکت عمومی، پایداری زیست محیطی و توانمندسازی به شدت ادبیات برنامه‌ریزی کشورهای در حال توسعه را تحت تأثیر قرار داده است (ویلس و بلانت، 1386: 7). این دیدگاه از برنامه سوم توسعه پس از انقلاب در ایران مورد توجه قرار گرفته است (سازمان برنامه و بودجه، 1378: 26-8)، تا همگام با رویکردهای جهانی، سیاست‌های برنامه‌های قبلی به ویژه "سیاست تعدیل اقتصادی برنامه دوم" را که متأثر از اندیشه‌های اقتصادی کینز مطرح شده بود، اصلاح نماید. یکی از سیاست‌های که در چارچوب برنامه تعدیل

اقتصادی صورت می‌گیرد، "تزیق یارانه" جهت حمایت از تولید و البته ایجاد تعادل یا کاهش قیمت واقعی به نفع مصرف کننده است. از آنجا که نقطه اتلاقی و وجه اشتراک سیاست تعدیل اقتصادی با دیدگاه توسعه پایدار، در موضوع یارانه‌ها (علی‌رغم تفاوت‌های بنیادین و خاستگاه ایدئولوژیک آن دو) بحث کاهش فقر و برقراری عدالت اجتماعی است و اینکه یارانه‌ها بیش از هر چیز معیشت خانوارها را متأثر می‌سازد؛ از این رو، مبانی نظری طرح هدفمندسازی با رویکرد معیشت پایدار (LS) قابل تبیین خواهد بود. طرحی که مدیریت اقتصاد خانوار و الگوی مصرف آن را به طور غیرمستقیم هدف گذاری کرده است.

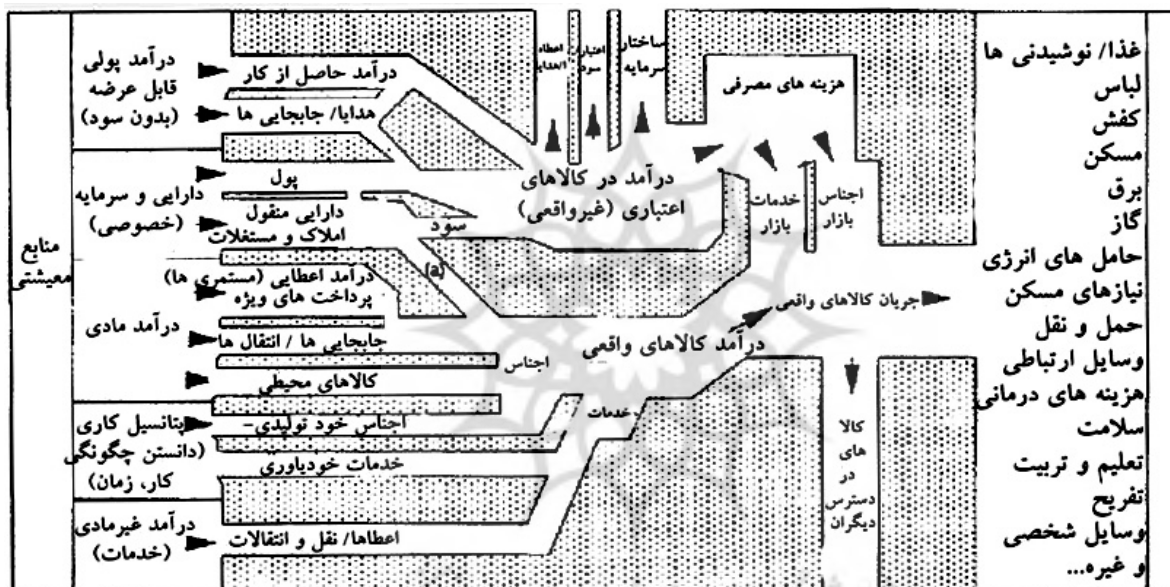
رویکرد معیشت پایدار همواره هدف کلی از نابودی فقر را رسیدن به توسعه توانایی‌های جامعه، خانواده و فرد برای بهتر نمودن سیستم‌های معیشتی آن‌ها می‌داند. "در چشم انداز مبارزه با فقر، سیستم معیشتی پیچیده است و بین سیستم‌ها، روابط مهمی وجود دارد که درک ابعاد معیشت می‌تواند به پیدا نمودن برنامه‌های مناسب کمک نماید" (Witteveen & Ruedin, 2008: 1-7). سیستم‌هایی که به دنبال افزایش توانایی مردم برای برطرف کردن نیازهای پایه، حل مشکلات و موفق شدن در کیفیت زندگی‌شان است (Anonymous, 1999). بدین ترتیب مشخص می‌گردد که درک مفهوم فقر و ارزیابی درجات آن از منظر عدالت اجتماعی، با مفهوم "معیشت" به ویژه "معیشت پایدار" گره می‌خورد.

معیشت یک خانوار آنگاه پایدار است که بتواند ظرفیت‌ها و دارایی‌های خود را توسعه دهد و در عین حال بنیان منابع طبیعی را سست نگرداند (Scoones, 2009: 5). بنابراین در تحقق توسعه روستایی با هدف مقابله با فقر و نیل به عدالت اجتماعی در کنار سایر رویکردها، رویکرد معیشت پایدار¹ نیز جایگاه خاصی دارد، به گونه‌ای که این رویکرد یکی از مهم‌ترین روش‌ها برای متخصصان توسعه در پرداختن به مسائل فقر و توانمندسازی بوده است» (Dearden et al, 2002: 3). رهیافت معیشت پایدار بر افزایش قابلیت‌ها و حفظ دارائی‌ها، حفظ منابع طبیعی برای حال و آینده (Chambers & Conway, 1992)، رفع نیازهای روزانه امرار معاش، تولید داخلی، پول کافی و تسهیلات رفاهی پایه (Anonymous, 1999)، حفظ جریان غذا و پول نقد برای فراهم نمودن نیازهای اساسی برای جمعیت حاضر و نسل‌های آینده، توجه به جنبه‌های اخلاقی و انسانی (الیوت و جنیفر، 1378) و حفظ شیوه‌های مناسب زندگی، تضمین رفاه آن‌ها و نسل‌های آینده تأکید دارد (خیری، 1382: 89). یکی از عناصر مهم حفظ و بهبود کیفیت زندگی و تضمین رفاه جامعه در رویکرد معیشت پایدار، الگوی مصارف معیشتی خانوارها است که خود تحت تأثیر عوامل مختلفی تغییر می‌کند. این تغییرات بنا به نقش عوامل مداخله‌گر گاه به سمت پایداری و گاهی به سمت ناپایداری میل می‌کند. بنابراین بر اساس این دیدگاه لازم است در برنامه‌ریزی‌های توسعه کنترل‌های لازم در الگوی مصرف جامعه صورت پذیرد.

چنین برداشت‌هایی از مفهوم معیشت پایدار در چارچوب مطالعات جغرافیایی محقق را وامی‌دارد تا تدقیق بیشتری در تبیین آن داشته باشد؛ زیرا سکونتگاه‌های مناطق مختلف جغرافیایی از سویی تحت تأثیر عوامل درونی و ذاتی معیشتی همانند موقعیت جغرافیایی، فضاهای زیستی با الگوها و فرهنگ‌های

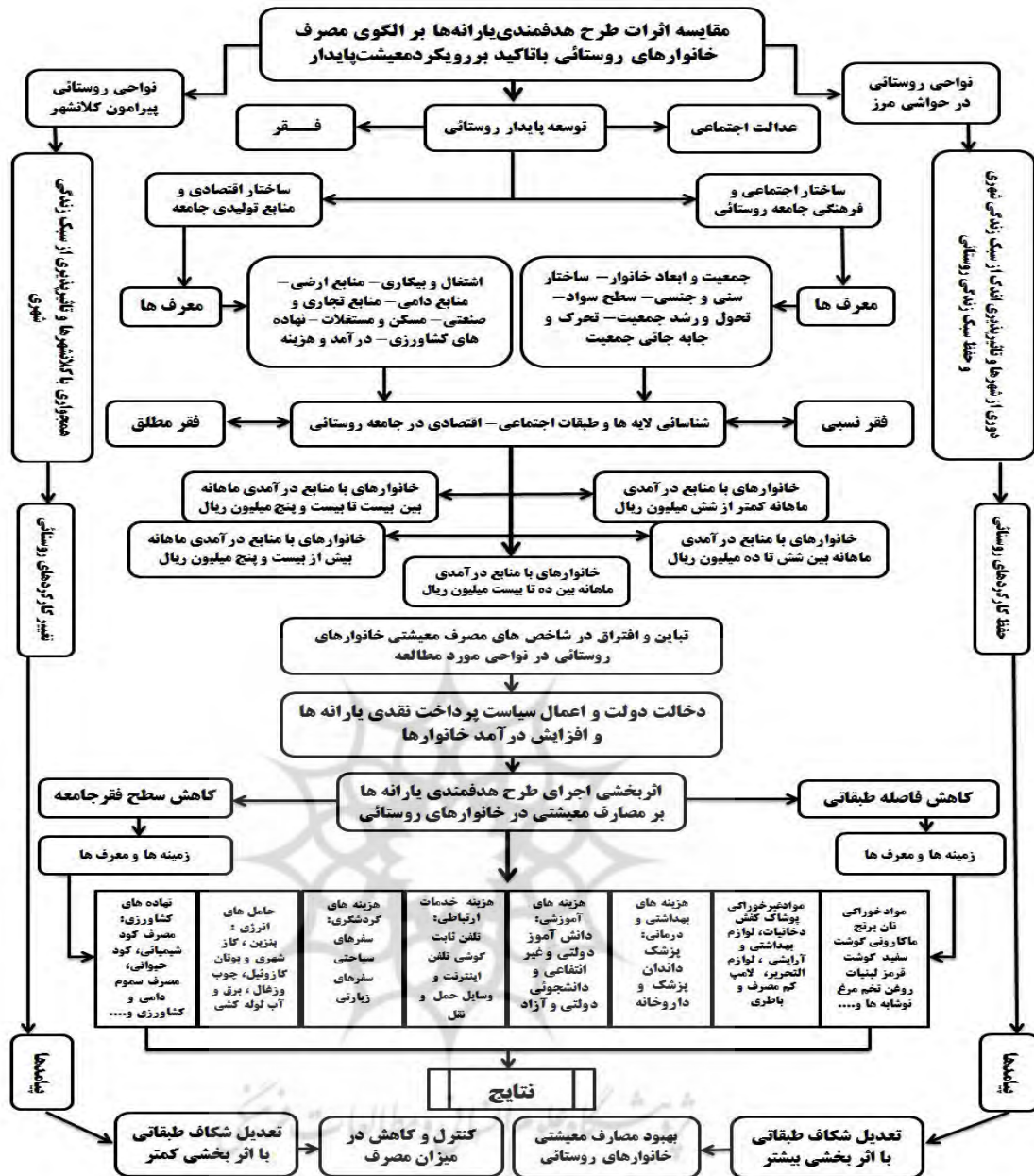
¹ Sustainable Livelihood approach

معیشتی متفاوت قرار دارد و از سوی دیگر، از عوامل بیرونی تأثیر می‌پذیرد. بر این اساس، تأثیرپذیری این مناطق از عوامل بیرونی همانند طرح‌ها و سیاست‌های دولتی، فرآیندهای متفاوتی را بر پایداری و ناپایداری اقتصاد خانوارها و مصارف معیشتی آنان به همراه خواهد داشت. «حقیقت این است که سیستم‌های معیشتی به ویژه در توسعه روستایی ترکیبی از اقتصاد با راهبردهای فیزیکی و اجتماعی مختلف و پیچیده است» (Scoones, 1998: 71). ابعاد مختلف این پیچیدگی را که در قالب یک مجموعه مرجع تحت عنوان "معیشت و رفاه خانوارهای روستایی" از سوی سازمان ملل منتشر شده است، به خوبی می‌توان در شکل شماره 1 ملاحظه نمود. این نمودار اجزای اصلی منابع معیشتی خانوار روستایی را از یک سو در قالب درآمدها، دارایی، سرمایه و غیره (سمت چپ) و از سوی دیگر، تأثیر آن را بر انواع هزینه‌های مصارف معیشتی (سمت راست) به تصویر کشیده است.



شکل شماره (1): منابع معیشتی در یک خانوار روستایی (United Nations, 2007)

یارانه و فلسفه شکل‌گیری آن نیز تدبیری معیشتی و نوعی سیاست حمایتی جهت مدیریت فشارهای اقتصادی و کنترل بحران‌های برگرفته از تولید و مصرف در جوامع مختلف بوده است. هدف دولت‌ها از پرداخت مستقیم یا غیرمستقیم یارانه، امتیاز اقتصادی ویژه‌ای به نهادهای خصوصی، خانوارها یا دیگر واحدهای تولیدی جهت پایین نگه‌داشتن قیمت یک سری کالا و خدمات است که موجب می‌شود، دسترسی به آن کالا یا خدمات برای عامه مردم و یا صنایع امکان‌پذیر شود (فرهنگ، 1393: 1236). بنابراین، تبیین طرح هدفمندی یارانه‌ها در چارچوب رویکرد معیشت پایدار نوعی نگاه نظری است که توانایی‌های مردم را برای بهره‌گیری از انتخاب، فرصت‌های به دست آمده جهت مدیریت منابع و بهینه‌سازی الگوی مصرف معیشتی جامعه مورد مطالعه می‌تواند ارزیابی نماید. بر اساس چنین درکی، مدل مفهومی تحقیق با تأکید بر رویکرد مذکور به شکل زیر طراحی شده است (شکل 1).



شکل شماره (2): مدل مفهومی و نظری تحقیق

در تشریح مدل ارائه شده می‌توان گفت از آنجا که در مطالعات علمی به ویژه در حوزه علوم جغرافیایی، از سویی متغیرهایی مثل موقع و مکان استقرار در سکونتگاه‌های روستایی شامل موقعیت منطقه‌ای، ناحیه‌ای و محلی با منابع طبیعی متفاوت و همجواری با شهرهای بزرگ یا حوضه‌های بسته طبیعی و محدود شده به نواحی مرزی می‌توانند از عوامل مؤثر بر تولید و بالطبع بر کیفیت معیشت و مصرف در خانوارهای روستایی باشد؛ از سوی دیگر ساختارهای اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی هر ناحیه جغرافیایی با تباینات و تشابهات خاص مکانی و فضائی در کارکرد و پایداری معیشت اقشار مختلف جامعه روستایی بازتاب‌های متفاوتی به همراه خواهد داشت. زیرا متغیرهایی همانند منابع محیطی و ساختارهای انسانی (همگون درون هر ناحیه و متفاوت با ناحیه دیگر) به عنوان "عوامل درونی" و تصمیمات سازمان‌ها

و نهادهای دولتی به عنوان "عوامل بیرونی" در فرآیند رفاه و پایداری معیشت خانوارهای روستایی نقش بسزایی ایفاء می‌کنند. بنابراین بر اساس مدل مفهومی و نظری تحقیق، رهیافت معیشتی با توجه به تباینات بستر جغرافیایی (محیطی، منابع اقتصادی و اجتماعی) اثرگذار بر معیشت کلی خانوارها در نواحی مورد مطالعه، دخالت دولت از طریق تزریق نقدی یارانه‌ها بر الگوی مصرف لایه‌های اجتماعی آن‌ها اثر می‌گذارد.

موضوع شیوه‌های پرداخت یارانه‌ها و منابع معیشتی خانوارها تاکنون از جنبه‌های مختلفی در سطح جهان و ایران مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته است که برخی از آن‌ها به طور مختصر در زیر اشاره شده است: اسکونز¹ (2009)، در مقاله‌ای تحت عنوان "دیدگاه‌های معیشتی و توسعه روستایی" ضمن تأکید بر مدل چارچوب معیشت‌های پایدار، چنین نتیجه می‌گیرد که یک رویکرد معیشت پایدار تعمقی عمیق‌تر و انتقادی‌تر را پیش‌بینی می‌کند. این امر از نظر افکندن بر پیامدهای تلاش‌هایی که برای توسعه صورت می‌گیرد در سطح بومی برمی‌خیزد و ارتباطاتی را بین سطح خرد و ویژگی‌های موقعیت یافته از معیشت-های مردم فقیر با قالب‌های گسترده‌تر نهادی در سطح ناحیه‌ای، استانی، ملی و حتی بین‌المللی برقرار می‌کند (Scoones, 2009: 3-19). کلمنتز² و همکاران (2007)، پژوهشی را با عنوان «آثار واقعی و توزیعی آزادسازی قیمت فرآورده‌های نفتی مورد اندونزی» انجام داده‌اند که هدف آن تشریح آثار کاهش یارانه‌ها بر مطالعات شهری و روستایی بوده است. وی و همکارانش به این نتیجه رسیده‌اند که فقر در کوتاه مدت به طور نسبی افزایش می‌یابد با این تفاوت که شاخص فقر در مناطق شهری به مراتب بدتر از روستاهاست. کوکس³ (2006)، در مطالعه‌ای که تحت عنوان "اصلاحات یارانه‌ای و توسعه پایدار" در قالب دیدگاه‌های اقتصادی، محیطی و اجتماعی در راستای مطالعات توسعه پایدار انجام داده است، نشان می‌دهد که معیارها، مؤلفه‌ها و متغیرهای مورد استفاده چگونه کارکردهای یارانه را تحت تأثیر قرار داده و در نهایت ابزارهای جدیدی را معرفی می‌کند که با ارائه یک رویکرد سیستماتیک ساده برای بهینه‌سازی یارانه قابل استفاده است. جلالیان و همکاران (1392) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی اثرات کوتاه مدت اجرای طرح هدفمندی یارانه‌ها بر وضعیت کشاورزی روستاییان شهرستان نیریز»، که به روش توصیفی-تحلیلی انجام شده است، نتیجه گرفته‌اند که اجرای طرح هدفمندی یارانه‌ها حداقل در کوتاه مدت به طور معنی‌داری منجر به افزایش هزینه و کاهش درآمدها شده است. شیروانیان (1391)، در رساله دکترای خود که تحت عنوان «تعیین الگوهای فقر روستایی در ایران و بررسی تأثیر برنامه هدفمندی یارانه مواد غذایی بر آن: رویکرد چندبعدی فقر» انجام داده است، نتیجه می‌گیرد که فقر آموزش (سواد اطلاعاتی) در جامعه روستایی ایران، از نظر گستردگی، دارای بیشترین گستره فقر بوده (100%) و پس از آن با اندک تفاوتی، به ترتیب فقر مسکن (99/98%) و فقر غذایی (99/64%) قرار دارد. پرمه و حیدری

¹ Scoones

² Clements

³ Cox

(1385) در مقاله‌ای که تحت عنوان «تعیین خانوارهای نیازمند از بی نیاز با استفاده از آزمون تقریب میانگین (در راستای هدفمند کردن یارانه‌ها)» برای به دست آوردن سطح رفاه خانوارهای شهری و روستایی انجام شده است، در نتیجه بیان کرده‌اند که سیاست‌های یارانه‌ای دولت‌ها در حمایت از خانوارهای فقیر مؤثر است ولی شیوه و نحوه پرداخت آن بر بهبود رفاه خانوارها بسیار حائز اهمیت است. در نهایت، با مقایسه مطالعات خارجی و داخلی می‌توان دریافت که اولاً خارجی‌ها به لحاظ نظری موضوع یارانه‌ها را در چارچوب دیدگاه توسعه پایدار و معیشت پایدار تبیین و در ثانی، نگاه جامع‌تری بر مؤلفه‌های اثرگذار و از جمله ویژگی‌های جغرافیایی در سطوح خرد و کلان داشته‌اند. در مطالعات داخلی عموماً مبانی نظری بر روی فقر تأکید داشته و بیشتر بر مقایسه‌های شهری یا روستایی بسنده کرده‌اند. این تحقیق با کسب تجربه از بررسی‌های فوق سعی دارد ترکیبی از هر دو را وجه نظر قرار دهد.

3) روش تحقیق

این تحقیق به لحاظ هدف از نوع کاربردی و به لحاظ روش کمی از نوع توصیفی - تحلیلی و در عین حال اکتشافی است. شالوده آن مبتنی بر عملیات پیمایشی پی‌ریزی شده است که به شیوه پس رویدادی به ارزیابی تأثیر طرح هدفمندی یارانه‌ها (به‌عنوان متغیر مستقل) بر مصارف معیشتی خانوارهای روستایی (به عنوان متغیر وابسته) پرداخته شده است. قلمرو مکانی تحقیق شامل دو شهرستان بینالود و کلات در استان خراسان رضوی بوده است. از دلایل انتخاب دو ناحیه یاد شده می‌توان گفت اول اینکه به لحاظ موقعیت خود در کنار کلان‌شهر مشهد، به شدت تحت تأثیر آن بوده و دوم اینکه به سبب موقعیت حاشیه‌ای در نوار مرزی، کمتر در گردونه توسعه قرار گرفته است. بنابراین نظر به اهمیت تباینات محیطی در علم جغرافیا، رویکرد تطبیقی نیز بر تحلیل‌های تحقیق حاضر حاکم است، تا با مقایسه ابعاد مختلف مسئله، ابتدا بتوان نقش تفاوت بنیان‌های جغرافیایی (شرایط طبیعی، توزیع منابع اقتصادی پایه، درآمد و شرایط اجتماعی) را بر چگونگی شکل‌گیری اختلاف طبقاتی بین اقشار مختلف روستایی تعیین و آن‌ها را شناسایی و طبقه‌بندی نمود؛ سپس تأثیر پرداخت یارانه‌ها را بر میزان افزایش درآمدها و بالطبع تأثیر آن را بر تغییر الگوی مصرفی ساکنان دو ناحیه مورد مقایسه قرار داد. ابزار اصلی تحقیق، پرسشنامه محقق ساخته با دو دسته سوالات کمی و کیفی بوده است. سوالات کمی عموماً در پاسخ به سوال اول تحقیق طراحی شده است که شامل پرسش درباره‌ی خصوصیات اجتماعی خانوار (تعداد جمعیت، سن، جنس، سواد) و منابع اقتصادی (نوع شغل، میزان درآمد و هزینه، منابع ارضی، دامی، مسکن، ماشین آلات و غیره) را شامل می‌شود. سوالات کیفی که با هدف سنجش تغییرات الگوی مصرف خانوارها جهت پاسخ به سوال دوم تحقیق طرح شده است، حاوی 8 مؤلفه اصلی (مواد خوراکی، مواد غیر خوراکی، هزینه‌های آموزشی، بهداشتی و درمانی، خدمات ارتباطی، گردشگری، حامل‌های انرژی، نهاده‌های کشاورزی) با بیش از 54 معرف بوده است (جدول 1).

جدول شماره (1): مؤلفه‌ها و معرف‌های شکل دهنده مصارف معیشتی در خانوارهای روستایی

| مؤلفه | معرف | ضریب آلفای کرونباخ | مؤلفه | معرف | ضریب آلفای کرونباخ |
|-----------------|--|--------------------------|---|--|--------------------------|
| مواد خوراکی | - مصرف نان - مصرف برنج - مصرف ماکارونی - مصرف گوشت - مصرف حبوبات - مصرف لبنیات | 0/92 | مؤلفه‌های دانشگاهی حامل‌های انرژی | - مصرف میوه و سبزی - مصرف روغن - مصرف قند و چای - مصرف تخم مرغ - مصرف آشامیدنی‌ها - شیر خشک نوزاد | 0/81 |
| | - مصرف گاز شبکه و بوتان - مصرف بنزین - مصرف گازوئیل | | | - سفر سیاحتی - سفر زیارتی | |
| مواد غیر خوراکی | - پوشاک - کفش - دخانیات - لوازم بهداشتی | 0/70 | نهاد های کشاورزی | - لوازم آرایشی - لامپ کم مصرف - لوازم التحریر | 0/86 |
| | آموزشی | | | - هزینه دانش آموز دولتی - هزینه دانشجوی دولتی - هزینه دانشجوی غیردولتی | |
| | بهداشتی | | | - دفعات مراجعه پزشک - مراجعه به داروخانه - دفعات مراجعه به دندان پزشک | |
| | خدماتی ارتباطی | | | - استفاده از تلفن ثابت - استفاده از تلفن همراه - استفاده از اینترنت - پرداخت کرایه سواری - کرایه حمل و نقل | |
| 0/86 | - مصرف کود شیمیایی - مصرف سموم کشاورزی - مصرف بذر اصلاح شده - مصرف نهال اصلاح شده - مصرف سوخت تجهیزات - مصرف سموم دامی - مصرف کاه و جو دامی - مصرف یونجه و بیده - مصرف توفاله و کنجاله - استفاده از تراکتور - استفاده از تیلر - استفاده از کمباین - استفاده از دروگر ماشینی - استفاده از کارگر روزمزد | 0/86 | نهاد های کشاورزی | - مصرف کود شیمیایی - مصرف سموم کشاورزی - مصرف بذر اصلاح شده - مصرف نهال اصلاح شده - مصرف سوخت تجهیزات - مصرف سموم دامی - مصرف کاه و جو دامی - مصرف یونجه و بیده - مصرف توفاله و کنجاله - استفاده از تراکتور - استفاده از تیلر - استفاده از کمباین - استفاده از دروگر ماشینی - استفاده از کارگر روزمزد | 0/86 |

واحد تحلیل در سطح خرد "خانوار" (که در قالب 5 دسته درآمدی مورد ارزیابی قرار گرفته است) و در سطح کلان "شهرستان" بوده که نتایج حاصله در دو شهرستان مقایسه شده است. برای اطمینان از روایی سوالات، ابتدا پرسشنامه در اختیار تعدادی از صاحب نظران و اساتید قرار داده شد و پس از تأیید آن‌ها طی عملیات میدانی، مورد آزمایش اولیه قرار گرفته است. سپس برای سنجش میزان پایایی ابزار، سوالاتی را که در قالب طیف پنج گزینه‌ای لیکرت¹ به صورت فاصله‌ای آورده شده، از طریق "روش آلفای کرونباخ" محاسبه گردید. براین اساس متوسط ضریب پایایی برای کل معرف‌ها برابر 0/83 به دست آمده است (جدول 1).

جامعه آماری این تحقیق خانوارهای روستایی 88 آبادی بالای 20 خانوار در شهرستان‌های کلات نادری و بینالود (طرقبه- شاندیز) در استان خراسان رضوی بوده است (شکل 3). تعداد کل این

¹ Likert.Rensis

خانوارها طبق سرشماری عمومی نفوس و مسکن 1390، برابر 16140 واحد بوده است. با بهره‌گیری از جدول مورگان - کرچی حجم کل نمونه‌ها 360 خانوار تعیین شده است. از این تعداد 200 خانوار سهم ناحیه بینالود و 160 خانوار متعلق به ناحیه کلات بوده است. انتخاب نمونه‌ها با استفاده از دو روش نمونه‌گیری "خوشه‌ای چند مرحله‌ای" و "تصادفی سیستماتیک" انجام شده است؛ بدین ترتیب که در گام اول کل روستاها در شهرستان‌های مورد مطالعه با توجه به همگنی اقتصاد غالب‌شان در 8 گروه دسته‌بندی (در هر شهرستان 4 گروه) و در گام دوم این آبادی‌ها بر حسب تعداد خانوار در 3 رده جمعیتی طبقه‌بندی گردید؛ سپس به نسبت سهم هر طبقه به انتخاب روستاهای نمونه مبادرت شده است که تعداد 38 آبادی (22 آبادی از کلات و 16 آبادی از بینالود) انتخاب گردید؛ در گام سوم، متناسب با تعداد خانوارهای روستایی منتخب، سهم خانوار نمونه هر یک مشخص و در نهایت با استفاده از روش نمونه‌گیری سیستماتیک تعیین شده است.

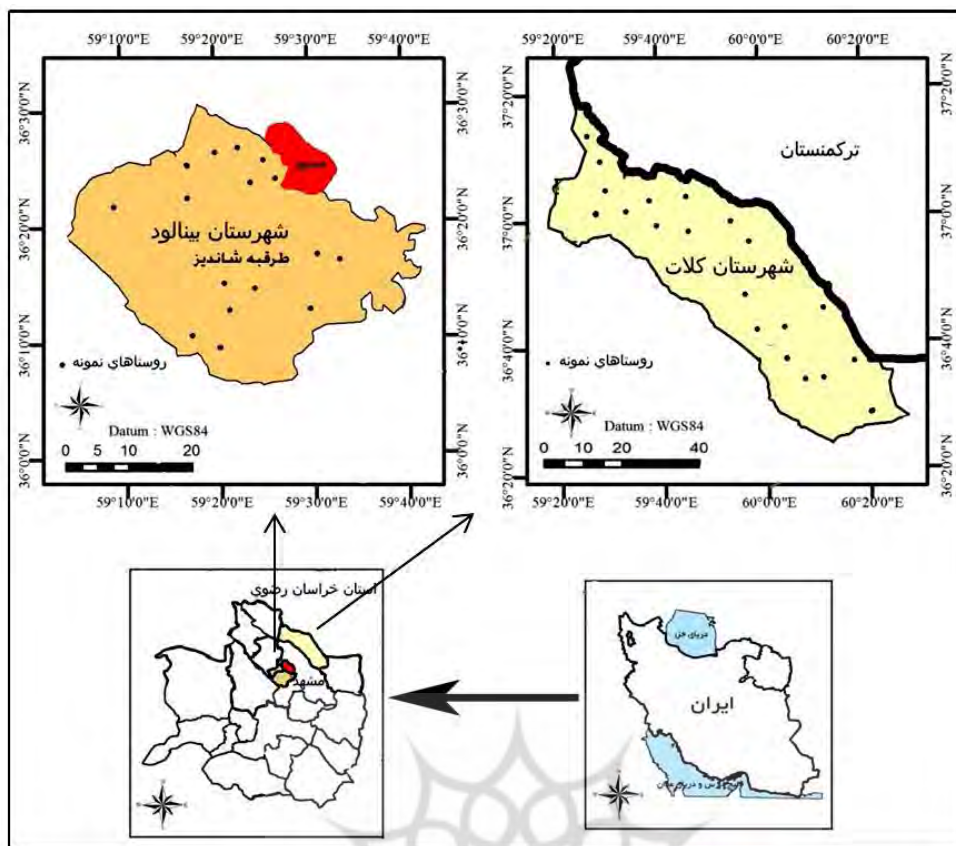
جهت تجزیه و تحلیل نهایی داده‌ها، از آمار توصیفی و استنباطی استفاده شده است؛ بدین ترتیب که ابتدا خروجی اولیه آزمون‌ها را که حالت نرمال و یا غیرنرمال بودن بین متغیرهای وابسته و مستقل را نشان می‌داد، بررسی شده است. به این منظور جهت تشخیص نوع آزمون مورد استفاده برای بررسی روابط بین متغیرها با استفاده از آزمون "کولموگوروف اسمیرنوف"¹ سنجش مورد نظر صورت گرفته است. از آنجا که بسیاری از خروجی آزمون‌ها دارای حالت غیرنرمال بوده است، از آزمون‌های "یومن وایتنی"² و "کراسکال والیس"³ جهت محاسبه سطح معناداری و مطالعه وجود تفاوت بین متغیرها استفاده شده است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

¹ Kolmogorov- Smirnov Test.

² Mann- Whitney U Test.

³ Kruskal- Wallis Test.



شکل شماره (3) : موقعیت شهرستان‌های مورد مطالعه در استان خراسان رضوی

4 یافته‌های تحقیق

4-1 منابع اقتصادی و درآمد اقشار جامعه روستایی

یکی از اهداف اساسی سیاست‌های حمایتی مبتنی بر پرداخت یارانه‌ها، برقراری عدالت بین لایه‌های مختلف اجتماعی و تعدیل شکاف‌های طبقاتی است. به دلیل فقدان اطلاعات پایه‌ای منابع اقتصادی و درآمدی خانوارها و نیز وجود محدودیت‌های حقوقی جهت واریسی حساب‌های بانکی، شناسایی و طبقه‌بندی اقشار اجتماعی، یکی از دشوارترین بخش‌های طرح هدفمندی یارانه‌ها است. بنابراین، با توجه به اینکه در شرایط کنونی پرداخت یارانه‌ها به صورت برابر بین همه اقشار توزیع می‌گردد و برای اینکه تأثیر پرداخت نقدی یارانه‌ها در اقتصاد خانوار شناخته شود، داده‌های مربوط به منابع درآمدی حاصل از پرسشنامه را در سه دسته شامل 1- متوسط ارزش سرمایه خانوار 2- متوسط درآمد ناخالص ماهانه خانوار و 3- متوسط درآمد نقدی یارانه ماهانه خانوار تقسیم شده است.¹ بر این اساس جهت انطباق و مقایسه نتایج حاصله با شاخص‌های ملی، الگوی دسته‌بندی دولت را که در مرحله دوم هدفمندی یارانه‌ها برای شناسایی لایه‌های اجتماعی (فقیران و ثروتمندان) استفاده شده است، مبنای کار در این تحقیق قرار

¹ میزان ارزش ریالی سرمایه‌های هر خانوار (اعم از منابع ارضی، دامی، املاک و مستغلات، ماشین‌آلات و غیره) براساس قیمت کارشناسی روز در سال 1393 محاسبه گردید.

گرفته است. بر مبنای این دسته‌بندی خانوارها در پنج دسته قرار می‌گیرد (سازمان هدفمندی یارانه‌ها، 1392):

1. خانوارهای با درآمد ماهانه کمتر از شش میلیون ریال در دسته اول؛
2. خانوارهای با درآمد ماهانه بین شش تا ده میلیون ریال در دسته دوم؛
3. خانوارهای با درآمد ماهانه بین ده تا بیست میلیون ریال در دسته سوم؛
4. خانوارهای با درآمد ماهانه بین بیست تا بیست و پنج میلیون ریال در دسته چهارم؛
5. خانوارهای با درآمد ماهانه بیش از بیست و پنج میلیون ریال در دسته پنجم.

بررسی وضعیت شاخص فعالیت در بخش‌های سه‌گانه اقتصادی جامعه نمونه در نواحی کلات و بینالود بیانگر تفاوت زیادی بوده است؛ چراکه بالغ بر 65 درصد شاغلان در ناحیه کلات در بخش کشاورزی و نیمی از شاغلین روستایی در ناحیه بینالود در بخش خدمات مشغول به کار هستند. بخش عمده این فعالیت‌ها در امور تجاری (خرده فروشی) حمل و نقل و کارگر خدماتی بوده است. به نظر می‌رسد این تفاوت بیش از هر چیز ناشی از نزدیکی به کلان‌شهر مشهد باشد که زمینه گسترش فعالیت‌های خدماتی را در نواحی پیرامون خود فراهم ساخته است. مقایسه نرخ اشتغال نواحی مذکور نیز مؤید وضع بهتر ساکنان بینالود است؛ چراکه این شاخص در بینالود 95/1 درصد و در کلات 91/9 درصد است (جدول 2).

جدول شماره (2): مقایسه شاخص‌های فعالیت و اشتغال خانوارهای نمونه در نواحی کلات و بینالود

| ناحیه | نرخ فعالیت در بخش‌های سه‌گانه (درصد) | | | نرخ اشتغال در نقاط روستایی (درصد) | | |
|---------|--------------------------------------|------|-------|-----------------------------------|------|------|
| | کشاورزی | صنعت | خدمات | کل | مرد | زن |
| بینالود | 48/4 | 1/6 | 50 | 100 | 95/6 | 96/4 |
| کلات | 65 | 1 | 34 | 100 | 87/7 | 89/2 |

منبع: یافته‌های میدانی تحقیق، 1394.

تفاوت‌های وضعیت منابع اقتصادی و شاخص‌های مربوط به آن نیز در دو ناحیه قابل تأمل است. برای مثال در حالی که تعداد 51/3 درصد بهره‌برداران در ناحیه کلات زراعی و 29/4 درصد آن‌ها دارای بهره‌برداری دامی هستند، این شاخص‌ها در بینالود به ترتیب 16/5 و 5/5 درصد بوده است. برعکس سهم بهره‌برداران باغی در بینالود 25/5 درصد و در کلات تنها 1/3 درصد بوده است. این در شرایطی است که راندمان تولید در ناحیه کلات بیش از بینالود بوده است. همچنین متوسط مساحت اراضی زراعی و باغی و تعداد دام هر بهره‌بردار نیز در کلات بیشتر از بینالود بوده است (جدول 3).

جدول شماره (3): مقایسه شاخص‌های مربوط به منابع اقتصادی بخش کشاورزی در نواحی مورد مطالعه

| ناحیه | سهم خانوارهای بهره بردار به درصد | | | میانگین مساحت اراضی (هر بهره بردار (هکتار)) | | متوسط راندمان تولید (کیلوگرم در هکتار) | | متوسط تعداد دام | متوسط تعداد دام |
|---------|----------------------------------|------|-------|---|-------|--|-------|-----------------|----------------------------------|
| | دامی | باغی | زراعی | باغی | زراعی | باغی | زراعی | هر بهره بردار | هر بهره بردار قابل عرضه به بازار |
| بینالود | 5/5 | 25/5 | 16/5 | 1/7 | 2 | 5771 | 1588 | 44 | 33 |
| کلات | 29/4 | 1/3 | 51/3 | 3/2 | 3/2 | 6075 | 1960 | 84 | 56 |

منبع: یافته‌های میدانی تحقیق، 1394.

مقایسه شاخص سهم درآمد ناخالص در بخش‌های مختلف اقتصادی گویای تفاوت تأمل برانگیزی در نواحی مورد مطالعه است، زیرا درآمد زراعت در ناحیه بینالود بسیار اندک و برعکس سهم درآمدهای گردشگری، حمل و نقل و سایر فعالیت‌ها (کارگری ساده) بیشتر از ناحیه کلات است. بنابراین وجود تباینات محیطی بر تنوع فعالیت و شیوه معیشتی خانوارهای روستایی در دو ناحیه، تأثیر زیادی داشته است (جدول 4). حال باید دید این تباینات چگونه بر اختلاف طبقاتی روستاییان اثر داشته است؟

جدول شماره (4): مقایسه درآمد ناخالص ماهانه خانوارهای نمونه در بخش‌های اقتصادی (ارقام به درصد)

| جمع | خدمات | | صنعت | | کشاورزی | | | ناحیه |
|-----|------------------|-----------------|------------|---------------|---------|---------|-------|---------|
| | حمل و نقل و سایر | تجارت و گردشگری | صنایع دستی | کارگاه تولیدی | اموردام | باغداری | زراعت | |
| 100 | 15/6 | 11/8 | 5/2 | 6/2 | 16/4 | 41/3 | 3/5 | بینالود |
| 100 | 9/3 | 6/4 | - | 6 | 19/2 | 46/6 | 12/4 | کلات |

منبع: یافته‌های میدانی تحقیق، 1394.

برای شناسایی اقشار مختلف روستایی از دو عامل «میزان سرمایه» (اعم از منقول و غیرمنقول) و «درآمد ناخالص ماهانه»¹ خانوارها استفاده شده است. بدین ترتیب که با قرار دادن مقادیر به دست آمده در دسته‌های پنج‌گانه مصوب دولت در مرحله دوم اجرای یارانه‌ها، چگونگی توزیع خانوارها در هر یک از طبقات مذکور مشخص شده است. مقایسه توزیع خانوارها در گروه‌های پنج‌گانه بر اساس شاخص متوسط درآمد ناخالص ماهانه در نواحی مورد مطالعه، تفاوت‌های قابل توجهی را نشان می‌دهد. به گونه‌ای که 80 درصد ساکنان ناحیه بینالود جزو طبقه نیازمند (دسته اول و دوم) جمعاً 63/4 درصد کل درآمد و 3 درصد جامعه (طبقه ثروتمند) 7/7 درصد درآمد را در اختیار دارند؛ در حالی که در ناحیه کلات 73/7 درصد خانوارهای نیازمند، 51/6 درصد درآمد و 3/8 درصد خانوارها (ثروتمندان) 9/4 درصد درآمد را به خود اختصاص داده‌اند (جدول 5).

¹ در این شاخص میزان درآمد ناشی از پرداخت یارانه‌ها لحاظ نشده است.

جدول شماره (5): مقایسه توزیع فراوانی خانوارهای روستایی بر حسب متوسط درآمد ناخالص ماهانه در گروه‌های

پنج گانه درآمدی نواحی مورد مطالعه

| کلات نادری | | | | بینالود (طرقه شانديز) | | | | | دسته‌های پنج‌گانه درآمدی | | |
|--------------------------|--------------------------------|------------|------------|--------------------------|--------------------------------|------------|------------|------------|--------------------------|-------|--------------------------------|
| سهم درآمد ماهانه به درصد | متوسط درآمد ماهانه (هزار ریال) | بعد خانوار | تعداد درصد | سهم درآمد ماهانه به درصد | متوسط درآمد ماهانه (هزار ریال) | بعد خانوار | تعداد درصد | تعداد درصد | | | |
| 22/7 | 5940 | 4/25 | 40/6 | 65 | 16/1 | 5780 | 3/1 | 29 | 58 | اول | کمتر از شش میلیون ریال |
| 28/9 | 9290 | 4/17 | 33/1 | 53 | 47/3 | 9650 | 3/15 | 51 | 102 | دوم | بین شش تا ده میلیون ریال |
| 39/1 | 18470 | 4/54 | 22/5 | 36 | 28/8 | 17640 | 3/34 | 17 | 34 | سوم | بین ده تا بیست میلیون ریال |
| 4 | 22960 | 4/14 | 1/9 | 3 | 2/2 | 23100 | 3/2 | 1 | 2 | چهارم | بیست تا بیست و پنج میلیون ریال |
| 5/3 | 29870 | 4/32 | 1/9 | 3 | 5/5 | 28760 | 3/6 | 2 | 4 | پنجم | بیش از بیست و پنج میلیون ریال |
| 100 | 10637/8 | 4/28 | 100 | 160 | 100 | 10402/7 | 3/2 | 100 | 200 | جمع | |

منبع: یافته‌های میدانی تحقیق، 1394.

برای شناسایی دقیق‌تر طبقات اجتماعی، وضعیت «میزان ارزش سرمایه» (منابع اقتصادی) تحت تملک خانوارها نیز مورد مقایسه قرار گرفته است. بر این اساس، ارزش ریالی تمامی منابع اقتصادی شامل منابع ارضی، منابع دامی، ماشین آلات و ادوات کشاورزی، وسایل حمل و نقل، املاک و مستغلات (مسکونی، تجاری و غیره) و اثاثیه مهم منزل به قیمت کارشناسی محلی (سال 1393) برآورد شده است. برابر داده‌های جدول 6، منابع تحت تملک روستاییان، پس از محاسبه کمی، میزان ارزش دارائی خانوارها را در دسته‌های پنج‌گانه درآمدی، مورد مقایسه قرار می‌دهد. تفاوت بین درصد خانوارهای موجود در هر طبقه، با درصد سهم منابع در هر دسته درآمدی، بیان‌کننده میزان برخورداری طبقات اجتماعی از منابع اقتصادی است. مثلاً دسته اول درآمدی (فقرا) با 35/5 و 33/7 درصد از خانوارها در بینالود و کلات، 21/5 و 20/1 درصد از منابع را در اختیار دارند، در حالیکه دسته چهارم با 7 و 2/5 درصد از سهم خانوارها، 12/8 و 5/1 درصد از منابع اقتصادی را در نواحی بینالود و کلات در اختیار دارند.

جدول شماره (6): مقایسه میزان منابع و سهم هر طبقه در گروه‌های پنج‌گانه درآمدی در هر ناحیه

| کلات نادری | | | | بینالود (طرقه شانديز) | | | | دسته‌های پنج‌گانه درآمدی | |
|----------------------|--|-------------|--------------|-----------------------|--|-------------|--------------|--------------------------|------------------------------------|
| سهم طبقه از کل منابع | متوسط ارزش منابع هر خانوار (هزار ریال) | درصد خانوار | تعداد خانوار | سهم طبقه از کل منابع | متوسط ارزش منابع هر خانوار (هزار ریال) | درصد خانوار | تعداد خانوار | | |
| 20/1% | 743 | 33/75 | 54 | 21/5% | 898 | 35/5 | 71 | اول | کمتر از شش میلیون ریال |
| 45/5% | 1298 | 43/75 | 70 | 31/4% | 1346 | 34/5 | 69 | دوم | بین شش تا ده میلیون ریال |
| 26/3% | 1879 | 17/5 | 28 | 25/9% | 1967 | 19/5 | 39 | سوم | بین ده تا بیست میلیون ریال |
| 5/1% | 2534 | 2/5 | 4 | 12/8% | 2713 | 7 | 14 | چهارم | بین بیست تا بیست و پنج میلیون ریال |
| 3% | 3012 | 1/25 | 2 | 8/3% | 3524 | 3/5 | 7 | پنجم | بیش از بیست و پنج میلیون ریال |
| 100% | 1479/6 | 100 | 160 | 100% | 1248/5 | 100 | 200 | جمع | |

منبع: یافته‌های میدانی تحقیق، 1394.

این بررسی به این سبب ضرورت داشت که در حال حاضر یارانه‌ها بدون توجه به توان اقتصادی و اختلاف طبقاتی خانوارها پرداخت می‌شود. شیوه‌ای که فلسفه پرداخت یارانه‌ها را از منظر عدالت اجتماعی زیر سوال می‌برد. مقایسه داده‌های جداول 5 و 6 به خوبی نشان داد که میزان درآمد ماهانه به تنهایی شاخص مناسبی برای تشخیص گروه‌های اجتماعی نیست؛ زیرا اولاً سهم خانوار گروه‌های مختلف در هر دو ناحیه تغییرات زیادی کرده است، به گونه‌ای که در ناحیه بینالود از سهم خانوارهای نیازمند کاسته و در ناحیه کلات به سهم آن‌ها افزوده شده است و بر عکس، سهم افراد ثروتمند در ناحیه بینالود افزایش چشمگیری داشته است؛ ثانیاً، مقایسه سهم شاخص متوسط ارزش سرمایه طبقات اجتماعی با شاخص سهم متوسط درآمد ماهانه نیز در هر دو ناحیه حاکی از تفاوت آن‌ها بوده است. با این تفاوت که توزیع شاخص سرمایه بیانگر تعدیل فاصله طبقاتی گروه‌ها است چراکه متوسط درآمدها در بین همه طبقات بینالود کمتر از کلات و متقابلاً متوسط میزان سرمایه در بینالود بیشتر است. بنابراین، وقتی شاخص ارزش سرمایه مدنظر باشد، وضعیت اقتصادی اهالی بینالود بهتر است؛ زمانی که شاخص درآمد مبنای مقایسه باشد، شرایط متفاوت بوده و اهالی روستاهای بینالود وضع نامطلوب‌تری نسبت به کلات دارند. دلایل این دوگانگی را می‌توان این گونه تبیین نمود که وضع بهتر ناحیه بینالود در شاخص سرمایه نه به سبب برخورداری آن‌ها از منابع ارضی، دامی، مستغلات بیشتر، بلکه ناشی از اختلاف قیمت واحد سطح آن‌ها بوده است که به سبب نزدیکی به شهر مشهد، از قیمت بالاتری نسبت به ناحیه کلات برخوردارند. به ویژه باغات و خانه‌های ویلایی که متعلق به طبقه ثروتمند است، متوسط ارزش سرمایه این ناحیه را در مجموع بالا می‌برد. بر عکس، در مقایسه شاخص درآمد ماهانه چون بخش قابل توجهی از اهالی طبقات پایین ناحیه بینالود افراد مهاجری هستند که یا به صورت کارگر ساده (روزمزد) در کلان شهر مشهد شاغلند و یا اینکه به عنوان نگهبان و باغبان در باغات و ویلاها مشغول به کار هستند.

حال با توجه به روشن شدن نقش ساختارهای تابینات محیطی، اقتصادی و اجتماعی نواحی مورد مطالعه (البته بدون در نظر گرفتن سهم یارانه‌های پرداختی) بر چگونگی اختلاف طبقاتی اقشار مختلف ساکن در آن‌ها، سوال اساسی آن است که پرداخت یارانه‌ها تا چه حد این اختلاف را تعدیل کرده است؟ برای پاسخ به این سوال از دو شاخص استفاده شده است. شاخص اول، نسبت «متوسط درآمد حاصله از یارانه‌ها» به «متوسط درآمد ناخالص ماهانه» بوده است. این شاخص نشان می‌دهد که یارانه‌ها به طور متوسط چه سهمی از کل درآمد ماهانه طبقات مختلف را تشکیل می‌دهد. نتایج نشان داد که یارانه‌ها در میان طبقات فقیر هر دو ناحیه سهم بالایی را به خود اختصاص داده است، به طوری که میزان آن در ناحیه بینالود از 19/6 درصد برای دسته اول درآمدی به 5/3 درصد در دسته پنجم و در ناحیه کلات از 24/5 درصد برای دسته اول به 6/1 درصد برای دسته پنجم کاهش می‌یابد. بنابراین یارانه‌ها در مجموع در افزایش میزان درآمد طبقات نیازمند تأثیر بیشتری داشته است؛ اما این به معنی دریافت مقدار یارانه بیشتر توسط طبقات مذکور نیست زیرا میزان یارانه‌ها تابع شاخص بعد خانوار است. به همین منظور، هر طبقه‌ای که از بعد خانوار بیشتری برخوردار باشد، سهم بیشتری دریافت می‌کند و از آنجا که

بعد خانوار در طبقات پایین هر دو ناحیه کمتر از طبقات متوسط و بالا بوده است، از این رو یارانه کمتری نصیب فقرا شده است که به نظر بر خلاف عدالت است. شاخص دوم که میزان تغییرات سهم درآمد طبقات را پس از دریافت یارانه‌ها نسبت به کل درآمد ماهانه می‌سنجد، نشان داد که در مجموع در هر دو ناحیه سهم طبقات پایین افزایش و سهم طبقات متوسط و بالا کاهش یافته است (جدول 7). بنابراین می‌توان گفت که پرداخت یارانه‌ها توانسته است در تعدیل شکاف طبقاتی هر دو ناحیه تأثیر داشته باشد که میزان اثر بخشی آن در کلات بیش از بینالود بوده است.

جدول شماره (7): مقایسه تأثیر پرداخت یارانه در تعدیل شکاف طبقاتی در دسته های درآمدی هر ناحیه 1393

| دسته‌های پنجگانه درآمدی | | بینالود (طریقه شانددیز) | | | | کلات نادری | |
|-------------------------|--------------------------------|-------------------------------|--|-----------------------|-------------------------------|--|-----------------------|
| | | سهم طبقه از درآمد ماهانه درصد | سهم طبقه از درآمد ماهانه و یارانه درصد | تغییرات درآمدی (درصد) | سهم طبقه از درآمد ماهانه درصد | سهم طبقه از درآمد ماهانه و یارانه درصد | تغییرات درآمدی (درصد) |
| اول | کمتر از شش میلیون ریال | 16/1 | 17/2 | +1/1 | 22/7 | 25/8 | +3/1 |
| دوم | بین شش تا ده میلیون ریال | 47/3 | 47/7 | +0/4 | 28/9 | 29/8 | +0/9 |
| سوم | بین ده تا بیست میلیون ریال | 28/8 | 27/5 | -1/3 | 39/1 | 37/2 | -1/9 |
| چهارم | بیست تا بیست و پنج میلیون ریال | 2/2 | 2/02 | -0/07 | 4 | 2/4 | -1/6 |
| پنجم | بیش از بیست و پنج میلیون ریال | 5/5 | 5/1 | -0/4 | 5/3 | 4/8 | -0/5 |

منبع: یافته‌های میدانی تحقیق، 1394.

4-2) یارانه‌ها و تغییر الگوی مصرف خانوارهای روستایی

امروزه دامنه انواع کالاهای مصرفی در جامعه روستایی گسترش فراوانی یافته است. از این رو، اظهارات خانوارهای نمونه مبنی بر تغییر در مصرف تعداد 54 کالا در قالب 8 مؤلفه مصرفی کلی شامل مواد خوراکی، مواد غیر خوراکی، حامل‌های انرژی، نهاده‌های کشاورزی و هزینه‌های بهداشتی-درمانی، آموزشی، خدمات ارتباطی و گردشگری سنجش و دسته‌بندی شده است. شایان ذکر است که در اینجا به دلیل گذشت زمان از اجرای طرح هدفمندی یارانه‌ها و نیز شرایط فرهنگی جامعه مورد نظر، امکان ثبت مقادیر کمی (وزنی) هر یک از اقلام برای پاسخ‌گویان مقدور نبوده است، از این رو، سنجش میزان تغییرات صرفاً بر مبنای مقادیر کیفی طیف لیکرت میسر شده است.

نتایج به دست آمده حاکی از تفاوت نظرات جامعه نمونه در نواحی مورد مطالعه بوده است. به گونه‌ای که در مجموع 31 درصد جامعه در ناحیه کلات و 28 درصد آن‌ها در ناحیه بینالود عنوان کرده‌اند که مقدار مصرف کالاها پس از دریافت یارانه‌ها افزایش داشته است. همچنین 49 درصد خانوارها در ناحیه کلات و 38 درصد خانوارهای ناحیه بینالود (طریقه شانددیز) اظهار نموده‌اند که مصارف آن‌ها نسبت به قبل از اجرای طرح تغییری نداشته است. بنابراین با مقایسه پاسخ‌های مورد نظر می‌توان نتیجه گرفت که پرداخت یارانه‌ها در مجموع برای یک سوم جامعه مورد نظر از حیث افزایش مصرف مثبت بوده است. مقایسه تفصیلی‌تر نتایج در بین اقلام مختلف نیز تفاوت‌های قابل توجهی در دو ناحیه نمایان می‌سازد. به طوری که، در ناحیه بینالود بیشترین مقادیر افزایش مربوط به هزینه‌های آموزشی، نهاده‌های کشاورزی و

هزینه‌های خدمات ارتباطی و کمترین تغییرات به مصرف مواد خوراکی و غیر خوراکی بوده است. همین طور در ناحیه کلات بیشترین مقادیر افزایش مربوط به هزینه‌های آموزشی و خدمات ارتباطی و کمترین آن‌ها مربوط به مصرف مواد خوراکی و هزینه‌های گردشگری بوده است (جدول 8).

جدول شماره (8): تجمیع درصد شاخص‌های مصرف و هزینه‌های معیشتی جامعه نمونه (میانگین کل)

| شاخص‌های مصرف خانوارهای نمونه در کلات | | | | | شاخص‌های مصرف خانوارهای نمونه در بینالود | | | | | عناوین |
|---------------------------------------|----------|------------|-----------|------------|--|----------|------------|-----------|------------|-------------------|
| خیلی کمتر | کمتر شده | فرقی نکرده | بیشتر شده | خیلی بیشتر | خیلی کمتر | کمتر شده | فرقی نکرده | بیشتر شده | خیلی بیشتر | |
| 1/7 | 17 | 36/6 | 16/9 | 0/6 | 6/5 | 29/2 | 51/2 | 11/7 | 1/2 | مواد خوراکی |
| 2/4 | 18/2 | 54 | 21/6 | 3/6 | 15/8 | 30/2 | 37/9 | 12 | 3/9 | مواد غیر خوراکی |
| 0/1 | 25/8 | 51 | 19/3 | 3/6 | 21 | 29/5 | 33/3 | 14/1 | 1/8 | حامل‌های انرژی |
| 3/6 | 14/9 | 57/5 | 21/8 | 2/1 | 3/7 | 7 | 47/6 | 36/3 | 4/9 | نهاده‌های کشاورزی |
| 3/2 | 10/3 | 57/9 | 22/6 | 5/7 | 32/4 | 21/2 | 29/2 | 15/4 | 1/6 | خدمات بهداشتی |
| 0 | 3/6 | 35/1 | 50 | 11/2 | 18/9 | 2 | 15/3 | 39 | 24/6 | خدمات آموزشی |
| 1 | 9 | 40 | 44 | 6 | 11/7 | 15/1 | 37 | 30/2 | 5/8 | خدمات ارتباطی |
| 30 | 20/8 | 32/2 | 15/7 | 1/1 | 6/6 | 16/6 | 55/6 | 19 | 1/9 | خدمات گردشگری |
| 5 | 15 | 49 | 27 | 4 | 15 | 19 | 38 | 22 | 6 | میانگین داده‌ها |

منبع: یافته‌های میدانی تحقیق، 1394.

جهت ارزیابی وجود یا عدم وجود تفاوت معناداری در الگوی مصارف دو ناحیه از آزمون «یومن ویتنی» استفاده شده است. نتایج نشان داد که از مجموع 8 گروه کالاهای مصرفی، 5 گروه حاکی از وجود تفاوت معنادار در الگوی مصرف جامعه مورد مطالعه بود و 3 گروه از کالاها فاقد تفاوت معنادار بوده است. جدول شماره 9 مقادیر رتبه و سطح‌بندی معناداری را در هر یک از آیتم‌های مورد سنجش نشان می‌دهد.

جدول شماره (9): مقایسه میانگین مصرف به تفکیک رتبه در هر ناحیه (خروجی آزمون یومان ویتنی)

| نتیجه | سطح معناداری (sig) | رتبه هر شهرستان در آزمون | | متغیر |
|----------------|--------------------|--------------------------|---------|---|
| | | کلات | بینالود | |
| وجود تفاوت | 0/000 | 223/72 | 245/25 | مواد خوراکی |
| وجود تفاوت | 0/000 | 228/77 | 141/23 | مواد غیر خوراکی |
| وجود تفاوت | 0/000 | 235/27 | 134/83 | حامل‌های انرژی |
| عدم وجود تفاوت | 0/09 | 109/77 | 96/03 | نهاده‌های کشاورزی (زراعی باغی دامی و تجهیزات) |
| وجود تفاوت | 0/000 | 212/80 | 136/03 | خدمات بهداشتی درمانی |
| عدم وجود تفاوت | 0/105 | 81/48 | 92/99 | خدمات آموزشی |
| عدم وجود تفاوت | 0/355 | 161/63 | 152/27 | خدمات ارتباطی |
| وجود تفاوت | 0/000 | 93/14 | 126/55 | خدمات گردشگری |
| وجود تفاوت | 0/000 | 236/60 | 135 | کل مصرف بر اساس رتبه |

تغییرات شاخص‌های مصرف و هزینه‌های معیشتی در میان گروه‌های مختلف جامعه روستایی نیز حاکی از اثربخشی پرداخت یارانه‌ها به طبقات مرفه‌تر بوده است. به گونه‌ای که در ناحیه بینالود به ترتیب 33/9 درصد دسته اول و 39/3 درصد دسته دوم اظهار داشته‌اند مصرف آن‌ها افزایش (بیشتر و خیلی بیشتر) داشته است؛ در حالی که این شاخص برای دسته چهارم 72 درصد و دسته پنجم 78/9 درصد بوده است. همچنین این تغییرات در ناحیه کلات در دسته‌های درآمدی اول و دوم بیش از ناحیه بینالود بوده است.

این بررسی نشان داد که مصرف مواد خوراکی به ویژه نان، گوشت و لبنیات نسبت به قبل از اجرای طرح چندان فرقی نداشته است؛ احتمالاً این امر ناشی از تولیدات خود مصرفی روستاییان در ناحیه کلات بوده است که غالباً به زراعت و دامپروری اشتغال دارند. اما در ناحیه بینالود مصرف مواد خوراکی کاهش یافته است؛ ممکن است این موضوع با افزایش قیمت نان مرتبط باشد چرا که بخش قابل توجهی از ساکنان این ناحیه را کارگران ساده تشکیل می‌دهند. جدول شماره 10 تجمیع درصد شاخص‌های مصرف و هزینه‌های معیشتی را به تفکیک دسته‌های درآمدی نشان می‌دهد.

جدول شماره (10): تجمیع درصد شاخص‌های مصرف و هزینه‌های معیشتی به تفکیک دسته‌های درآمدی

| دسته‌های پنجگانه درآمدی ناحیه کلات | | | | | دسته‌های پنجگانه درآمدی ناحیه بینالود | | | | | تغییرات مصرف و هزینه در شاخص مصارف معیشتی |
|------------------------------------|--------------------------------|----------------------------|--------------------------|------------------------|---------------------------------------|--------------------------------|----------------------------|--------------------------|------------------------|---|
| بیش از بیست و پنج میلیون ریال | بیست تا بیست و پنج میلیون ریال | بین ده تا بیست میلیون ریال | بین شش تا ده میلیون ریال | کمتر از شش میلیون ریال | بیش از بیست و پنج میلیون ریال | بیست تا بیست و پنج میلیون ریال | بین ده تا بیست میلیون ریال | بین شش تا ده میلیون ریال | کمتر از شش میلیون ریال | |
| 0 | 0 | 2 | 5 | 2/4 | 0 | 0 | 9/6 | 9 | 7 | خیلی کمتر شده |
| 0 | 6/4 | 3/1 | 3/7 | 4/4 | 0 | 4 | 12 | 11 | 14/5 | کمتر شده |
| 31/8 | 22/5 | 21/8 | 23/8 | 22 | 21 | 24 | 43/8 | 40/4 | 44/3 | فرقی نکرده |
| 31/8 | 64/5 | 62/5 | 49/4 | 57/5 | 52/6 | 56 | 31/8 | 31/6 | 25/7 | بیشتر شده |
| 38/1 | 6/4 | 10/4 | 17/8 | 13/4 | 26/3 | 16 | 10/6 | 7/7 | 8/2 | خیلی بیشتر شده |
| 100 | 100 | 100 | 100 | 100 | 100 | 100 | 100 | 100 | 100 | جمع کل |

منبع: یافته‌های میدانی تحقیق، 1394.

به منظور سنجش میزان سطح معناداری بین اقصاء مختلف خانوارهای روستایی در دو ناحیه از حیث مقادیر الگوی مصرف از آزمون «یومن ویتنی» استفاده شده است. نتیجه حاکی از آن است که بین مقادیر مصرفی سه دسته اول (طبقه کم درآمد و متوسط روستایی) در شهرستان‌های مورد مطالعه تفاوت معناداری وجود دارد، اما دو دسته آخر (طبقه مرفه) فاقد تفاوت معنادار بوده است.

جدول شماره (11): مقایسه میانگین مصارف معیشتی روستاییان دو ناحیه مورد مطالعه به تفکیک دسته‌های درآمدی

| نتیجه | سطح معناداری (sig) | رتبه خانوارهای در آزمون | | دسته‌های درآمدی بر مبنای درآمد ماهانه |
|----------------|-----------------------|-------------------------|---------|--|
| | | کلات | بینالود | |
| وجود تفاوت | 0/000 | 80/50 | 44/19 | کمتر از شش میلیون ریال |
| وجود تفاوت | 0/000 | 94/36 | 47/43 | بین شش تا ده میلیون ریال |
| وجود تفاوت | 0/025 | 36/10 | 23/07 | بین ده تا بیست میلیون ریال |
| عدم وجود تفاوت | 0/486 | 5/25 | 3/75 | بیست تا بیست و پنج میلیون ریال |
| عدم وجود تفاوت | 0/700 | 3/00 | 4/00 | بیش از بیست و پنج میلیون ریال |

به منظور سنجش رابطه بین میزان درآمد و تأثیر آن بر مقادیر مصرف در بین اقشار مختلف جامعه روستایی (در درون هر ناحیه) از آزمون «کراسکال والیس» استفاده شده است. نتایج نشان داد که رابطه معناداری بین میزان درآمد و شاخص مصرف در هیچکدام از لایه‌های اجتماعی درون دو ناحیه وجود نداشته است (جدول 12).

جدول شماره (12): محاسبه آماره‌های مربوط به تحلیل داده‌ها در مصارف معیشتی روستاییان

| نتیجه | سطح معناداری (sig) | رتبه خانوارها در آزمون | دسته‌های درآمدی | نوع آزمون | متغیر مستقل | متغیر وابسته |
|-----------|-----------------------|--|---|------------------|----------------|----------------------------|
| عدم رابطه | 0/17 | 82/83 69/98 83/43 82/50 30/67 | کمتر از شش میلیون ریال بین شش تا ده میلیون ریال بین ده تا بیست میلیون ریال بیست تا بیست و پنج میلیون ریال بیش از بیست و پنج میلیون ریال | کراسکال والیس | درآمد | شاخص مصرف در کلات |
| عدم رابطه | 0/28 | 111/72 97/28 89/86 33/88 54/67 | کمتر از شش میلیون ریال بین شش تا ده میلیون ریال بین ده تا بیست میلیون ریال بیست تا بیست و پنج میلیون ریال بیش از بیست و پنج میلیون ریال | کراسکال والیس | درآمد | شاخص مصرف در بینالود |

5) نتیجه‌گیری

این تحقیق با تأکید بر رویکرد معیشت پایدار، درصدد تحلیل آثار طرح هدفمندی یارانه‌ها بر تغییرات الگوی مصرف لایه‌های مختلف اجتماعی روستایی برآمده است تا با مقایسه آن در دو ناحیه بینالود و کلات، نقش عوامل جغرافیایی را نیز مورد ارزیابی قرار دهد؛ چرا که بنیان‌های متباین محیط طبیعی هر ناحیه شالوده تفاوت‌های اقتصادی، اجتماعی هر جامعه‌ای را پایه‌ریزی کرده و سپس سیاست‌های دولتی موجب تغییر آن می‌گردد. از این رو تحقیق حاضر با انتخاب دو ناحیه مذکور، یکی در پیرامون کلان‌شهر مشهد و دیگری در حاشیه مرز ترکمنستان دو هدف اساسی را دنبال کرده است: نخست اینکه تباینات محیط جغرافیایی چگونه وضعیت منابع اقتصادی و درآمد اقشار مختلف جامعه روستایی را تحت تأثیر قرار

داده است؟ و دوم اینکه، طرح هدفمندی یارانه‌ها چگونه بر الگوی مصارف معیشتی اقشار مذکور اثر گذاشته است؟

این بررسی نشان داد که اولاً موقعیت و قابلیت‌های محیطی منحصر در سکونتگاه‌های روستایی هر ناحیه از نظر ارتباطات محلی و نیز در پیوند با کلان‌شهر مشهد در سطح منطقه‌ای کارکردهای اقتصادی متفاوتی را در آن‌ها به وجود آورده است. عوامل تأثیرگذاری که هر کدام به تنهایی می‌تواند سازوکارهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خاصی را تا مدت‌ها در مناطق روستایی و فضاهای جغرافیایی این نواحی تثبیت نماید. این عوامل بی‌شک اولین تأثیر خود را بر فضای کسب و کار اقتصادی در نواحی مورد مطالعه داشته است. به عنوان مثال اشتغال 70 درصد اهالی ناحیه کلات در بخش کشاورزی با ترکیبی از کشت غلات، شالیکاری و دامداری و با راندمانی مناسب، چشم‌انداز اقتصادی متفاوتی را نسبت به ناحیه بینالود (طرقبه شاندیز) ایجاد کرده است. ناحیه‌ای که به واسطه نزدیکی به کلان‌شهر مشهد، وجه غالب آن اقتصاد بینابینی در سه بخش صنعت، کشاورزی و خدمات است؛ چرا که دورترین سکونتگاه روستایی آن در کمتر از 45 دقیقه به مشهد دسترسی دارد. نوع تولیدات باغی، سبزی و سیفی‌جات و لبنیات زود مصرف و قابل عرضه در بازه‌ی زمانی کوتاه مدت، امکان دسترسی راحت و دو سویه بین کارکنان و کارگران روستاها به مشهد و استفاده شهروندان و گردشگران مشهدی و زوار از بیلاقات و نیز قابلیت‌های بهره‌بردن از سرمایه‌های موجود در شهر مشهد و اشتغال‌زایی در روستاهای بینالود، همه و همه زیرساخت‌ها و پتانسیل‌های دو سبک متفاوت از نوع اقتصاد تولیدی است که منجر به شکل‌گیری دو ناحیه متباین شده است؛ به گونه‌ای که، بازتاب این تباینات را می‌توان در کم و کیف خصوصیات اقشار اجتماعی جامعه مورد مطالعه به لحاظ منابع اقتصادی تحت تملک مشاهده نمود.

اینکه در ناحیه بینالود حدود 10 درصد از خانوارهای مرفه با درآمد ماهانه بالای 20 میلیون ریال، حدود 21 درصد از منابع اقتصادی را در اختیار دارند و در مقابل 70 درصد خانوارهای کم درآمد، (زیر 10 میلیون ریال) حدود 52 درصد منابع اقتصادی را به خود اختصاص داده‌اند، نشانی از وجود شکاف طبقاتی بیشتر در این ناحیه بوده است. بر عکس شاخص‌های مذکور در ناحیه کلات به هم نزدیک‌تر است. ثانیاً، نوع تعاملات و ارتباطات متفاوت بین شهر و روستا و تأثیر آن بر نوع معیشت خانوارهای مورد مطالعه، الگوی مصرفی آن‌ها را تحت الشعاع قرار داده است. زیرا 65 درصد روستاییان ناحیه کلات عنوان کرده‌اند که پس از دریافت نقدی یارانه‌ها الگوی مصرفی آن‌ها نسبت به قبل تفاوتی نداشته است. این مسئله شاید ریشه در اقتصاد معیشتی‌تر این ناحیه دارد که با وجود دیرینگی فرهنگ (خود مصرفی)، وابستگی کمتری به پرداخت و کمک‌های نقدی دارند و برخورداری دسته‌های درآمدی پایین، از اجرای طرح و گسترش عدالت اجتماعی در بین آن‌ها بیشتر بوده است. بر عکس، در ناحیه بینالود به واسطه تأثیرپذیری جامعه روستایی از شهرها که نوعاً با ترویج فرهنگ حسابگری و اقتصادسنجی همراه بوده، برخلاف انتظار کاهش الگوی مصرف را در پی داشته است. زیرا حذف یارانه‌های پنهان برخی کالاهای مصرفی افزایش قیمت آن‌ها را به دنبال داشته و در نتیجه میزان مصرف این گونه کالاها در ناحیه بینالود کمتر شده است. در مجموع

طرح هدفمندی یارانه‌ها به شیوه جدید، به طوری نسبی در افزایش سطح درآمد طبقات پایین جامعه (به میزان 15 تا 25 درصد) تأثیر داشته است و تا حدودی شکاف طبقاتی را تعدیل کرده است. این عامل بیش از هر چیزی بر الگوی مصرف آن‌ها اثرگذار بوده و آن را بهبود بخشیده است. اما با توجه به آزاد شدن قیمت کالاهای یارانه‌ای می‌توان گفت که به پایداری معیشت خانوار منجر نشده است.

6 منابع

- ایوب، جنیفر، (1378)، *مقدمه‌ای بر توسعه پایدار در کشورهای درحال توسعه* (ترجمه: رکن‌الدین افتخاری)، توسعه روستایی، تهران.
- پرمه، زورار و خلیل حیدری، (1385)، *امکان سنجی شناسایی خانوارهای نیازمند از خانوارهای بی‌نیاز در ایران در راستای هدفمند نمودن یارانه‌ها*، موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، اقتصاد نو، تهران.
- جلالیان، حمید، صدیقه هاشمی و جعفر یعقوبی، (1392)، *بررسی اثرات کوتاه مدت طرح هدفمندی یارانه‌ها بر وضعیت کشاورزی روستاییان شهرستان نی ریز* (مطالعه موردی: دهستان آباده طشک)، مجله برنامه ریزی منطقه‌ای، دوره 3، شماره 10، صص 45 - 60.
- حبیب‌پور، کرم و رضا صفری، (1388)، *راهنمای جامع کاربرد SPSS در تحقیقات پیمایشی (تحلیل داده‌های کمی)*، چاپ دوم، انتشارات متفکران، تهران.
- خشنود، زهرا، (1389)، *«قانون هدفمندی یارانه‌ها» تازه‌های اقتصاد*، شماره 126، تهران.
- خیری، شقایق، (1382)، *رهیافت معیشت پایدار و جایگاه آن در توسعه روستایی*، دومه‌نامه جهاد، ماهنامه اقتصادی و مسائل اجتماعی، سال بیست و سوم، شماره 261، تهران.
- رحیمی، عباس، (1376)، *یارانه*، انتشارات موسسه بررسی‌ها و مطالعات بازرگانی، تهران.
- سازمان برنامه و بودجه، (1378)، *سند برنامه، برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران*، پیوست شماره 2 لایحه برنامه، جلد اول، ناشر سازمان برنامه و بودجه، تهران.
- سازمان هدفمندی یارانه‌ها، (1392)، *سایت رسمی سازمان*، ثبت نام مرحله دوم، تهران.
- شکوری، علی، (1384)، *سیاست‌های توسعه کشاورزی در ایران*، چاپ اول، سمت، تهران.
- شکوهی، حسین، (1375)، *اندیشه‌های نو در فلسفه جغرافیا؛ انتشارات گیتاشناسی*، چاپ هامون، تهران.
- فرهنگ، منوچهر، (1393)، *فرهنگ علوم اقتصادی*، انتشارات پیکان، تهران.
- مرکز آمار ایران، (1390)، *سرشماری عمومی نفوس مسکن*، سایت مرکز آمار ایران، تهران.
- ویلس، جین و آلیسون بلانت، (1386)، *دگر اندیشی در فلسفه جغرافیا*، (ترجمه: حسین حاتمی نژاد)، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
- Anonymous, (1999). **Sustainable livelihood (SL). United Nations Development program.** [On line]. Available at: <http://www.undp.Org/si/Introduction/introduction/htm>
- Chambers, R. and G Conway (1992) **Sustainable rural livelihoods: Practical concepts century.** IDS Discussion Paper 296.
- Clements Benedic, Hong Song JunG, Sanjeev Gupta. (2007), **Real and Distributive Effects of Petroleum Price Liberalization: The Case of Indonesia**, IMF Working Paper, pp.220-237.

- Cox, Anthony. OECD (2006). **Subsidy Reform and Sustainable Development, Economic, Environmental and Social Aspects**. OECD (ORGANISATION FOR ECONOMIC CO-OPERATION AND DEVELOPMENT)
- Dearden, Philip & Roland, Rachel & Allison, Gaia &.... (2002), " **Sustainable livelihood Approaches** – From the Faamework to the Field", supporting livelihoods – Evolving Institutions, University of Brandford.
- International Monetary Fund, (2013) **CASE ON ENERGY SUBSIDY REFORM: LESSONS AND IMPLICATIONS**, January 28,
- Scoones, I., 1998: **Sustainable Rural Livelihoods: A Framework for analysis**. IDS working paper 72.
- Scoones, I., (2009), **Livelihoods perspectives and rural development**, Journal of Peasant Studies , Vol. 36, No. 1, January 2009.
- United Nations (2007). **Rural Households' Livelihood and Well-Being** (Statistics on Rural Development and Agriculture Household Income). The Wye Group Handbook.
- Witteveen, Annet & Ruedin, Laurent (2008), "**Putting A livelihood Prespective into Practive**", Systemic Approach to Rural Development, A guide for Analysis and Planning in Rural Areas, (SDC).

